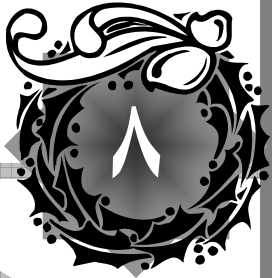


فیروز



فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

- مقالات چاپ شده دیدگاه فیروز کوه نیست.
 - فیروز کوه در ویرایش مطالب باز دارد.
 - مطالب ارسال شده دوباره مسترد نمی گردد.
 با نظریات و پیشنهادات خود ما را جهت بهتر شدن فیروز کوه همکاری نمایید.
 - با تشکر از آنانی که ما را در این شماره از طریق فرستادن مطالب شان یاری نموده اند.
 " اداره فیروز کوه "



از احمدی تا منیب | امتحان کانکور در غور برگزار شد

جنرال باز محمد احمدی والی سابق غور سر انجام بر پایه شکایات و نا رضایتی های مردم و تصمیم حکومت افغانستان از ولایت غور برکنار شد و به جای او سید اقبال منیب والی پیشین «سر پل» برچوکی یی ولایت غور تکیه زد. احمدی در حالی غور را ترک کرد که در دوره مدیریت و ولایت او روز تا روز نا رضایتی ها اوج گرفت و فاصله های میان ملت و دولت عمیق شد. رابطه اداره محل با موسسات همکار و پی آر تی شدیداً صدمه دید و کشمکش ها و فرافگنی های بسیاری میان ارگان های دولتی (از جمله میان پولیس و ریاست امنیت ملی) به وجود آمد. روند

۹۶۰ کیلوهرتر چاپلوسی

چاپلوسی یی در تاریخ

زمانی که شایعه برکناری احمدی بالا گرفت و کم روشن شد که واقعاً این آقا رفتنی است و والی جدیدی به غور می آید، یک تعداد افراد شروع کردند به پیدا کردن مجرا های ارتباطی و باز کردن کانال های خوش خدمتی تا این آدم جدید را نیامده از خود سازند و راه را برای دوستی های آینده باز نمایند. آن ها هر روز به والی جدید تلفن می کردند که: «چرا شما زودتر نمی آید؟ مردم از منتظری کور شده اند، ولایت چشم در راه شماست، ما چه خدمتی می توانیم؟» وقتی والی جدید متوجه شد که میرزا قلم های مناسبی پیدا شده است ادامه در ص ۲



محرومیت ها و امیدواری ها

مردم شریف ولایت غور به افتخارات نیاکان خویش می بالند و افتخار می کنند. اما باید بخود بیندیشیم که نسل کنونی و جوان، نسل برازنده و سیاسی، نسلی که طی سه دهه گذشته تجارب خوبی ها و بدی های که از گذشته گان دیروز بما میراث مانده است، توجه کنیم و همه ما خوبی ها را تقویت کنیم. اما با تأسف که گاهی همدیگر خود را خورد می سازیم و توجه لازم نداریم. روشنفکران دیروز، مجاهدین و شخصیت های دینی، علما و نخبه گان قوم باید همه و همه در جهت رفاه و سعادت مردم غور فکر کنند و راه های حل اساسی و نجات مردم را از محرومیت های که از طرف دولت های گذشته بنابر بی توجهی مقامات بما تحمیل شده را پیدا و در جهت بهبود زندگی مردم خود فکر کنیم؛ زیرا طوری که مشاهده می گردد دولتمردان و کرسی نشینان مردم را از نعمات خداوندی که همانا زندگی آبرو مندانه می باشد محروم نموده اند، علاوه بر این محرومیت ها؛ مردم ما در خط فقر قرار گرفته اند و فقر اقتصادی و فرهنگی مردم ما را از صحنه سیاست و قدرت بدور کشانیده و از همه نعمات محروم شده ایم. حال بیایم همه در عمق محرومیت ها فکر کنیم و راه های حل آن را دریافت و در جهت رفع آن کار نمائیم. بلی آنانی که به آینده شان اندیشیدند امروز در سطح ولایات شان همه چیز را دارند، سرک، مکتب، کلینیک، مدرسه، برق، آب و غیره نیازمندی های شان مرفوع گردیده.....ادامه در ص ۲

آهسته و بطی یی بازسازی و سازندگی، کندتر از همیشه گردید و اوضاع قناعت بخش امنیتی در حد نگران کننده به وخامت گرایید. آن عده عناصری که در دوره پیشتر از احمدی به لطایف الحیل خود را نزد حکومت شیرین می کردند و تمکین می نمودند، آهسته آهسته به زور گفتن و باج گرفتن روی آوردند و حاکمیت حکومت و تسلط دولت را هر روز بیشتر از پیش زیر سوال بردند. فساد اداری که رابطه تنگاتنگی با امنیت دارد و در ایجاد فاصله میان ملت و دولت بسیار مؤثر می باشد؛ نه تنها که جلوگیری نشد، بلکه دامنه هایش فراخ تر شد و وسعت و گستردگی بیشتری کسب نمود. ظرفیت و توانایی جذب کمک ها و تهیه پلان های مناسب برای بازسازی غور هیچگاه بهتر نشد و مقدار اندکی هم که در زمان افضلی در این باب کار شده بود به فراموشی رفت. پروژه ها و وعده های شیرینی که از جانب حکومت کابل برای بازسازی غور داده شده بود، پی گیری نشد و از طرف اداره محلی هیچ گونه استدلالی با مراجع تصمیم گیرنده در بالا صورت نگرفت. آن های که در اخلاص امنیت و وخامت اوضاع نقش داشتند، با مشاهده تسامح و تساهل حکومت، چشم سفیدتر و دلیرتر شدند و از قانونیت و اقتدار حکومت کسی حمایت نکرد. مجرمین که دندان حکومت را بالا کرده بودند جرأت بیشتر یافتند و راه معامله را هم با برخی عناصر هم چنان گشوده یافتند و تخم مرغ دزدها سرانجام شتر دزد شدند. امروز آقای منیب در حالی بر مسند ولایت نشسته است.....ادامه در ص ۳

به روز سه شنبه تاریخ ۴ قوس امتحان کانکور در ولایت غور برگزار گردید. این امتحان که در صحن لیسه عالی سلطان علاوالدین غوری دایر گردیده بود از جمله ۶۲ باب لیسه در سطح غور ۲۶ باب آن به تعداد ۶۴۰ تن فارغ تحصیل داده که ۵۵۶ تن از لیسه های مرکز و ولسوالی ها بعد از ثبت نام به امتحان راه یافتند. این امتحان توسط ۳ نفر از استادان دانشگاه کابل اخذ و توسط استادان دارالمعلمین، ریس و اعضای شورای ولایتی و عده دیگری نظارت گردید. این امتحان ساعت ۸ آغاز و ساعت ۳ بعد از ظهر با دعای خیر خاتمه یافت. استاد عبدالکریم رئیس هیئت وزارت تحصیلات عالی نحوه جذب داوطلبان غور به موسسات عالی کشور را رقابت بین خودی شاگردان غوری قلمداد نمود و گفت: با سایر ولایات قابل مقایسه نمی باشد. غور سهمیه جداگانه دارد. والی غور حین گشایش صندوق سوالات؛ رشد و توسعه معارف را خدمات ارزنده دولت خواند و از شاگردان تقاضا به عمل آورد تا در انتخاب رشته مورد علاقه بعد از فراگیری علوم تخصصی خوب تقدیم جامعه شوند.

معارف گوش به فرمان

معارف غور و نحوه مدیریت آن و هم چنان موجودیت فساد در این دستگاه، یکی از مواردی است که ورد زبان خورد وکلان می باشد و تمام مردم از این وضعیت شاکی و ناراضی هستند و این موضوع جای انکار ندارد. فساد اداری گر چه یک پدیده عام است و یکی از موارد و علل ناکامی حکومت فعلی در سطح ملی و بین المللی می باشد، اما در سکتور معارف که طبعاً افراد تحصیل کرده و مکتب خوانده باید جابجا باشند، این مساله خیلی قابل تأسف و نگران کننده می باشد. هرچند در این نهاد.....ادامه در ص ۲

تجارت با زندگی مردم در غور

شفابخانه ولایتی ولایت غور محل کمپاین برای معاینه خانه های شخصی داکتران می باشد. هرگاه مریض داران نزد داکتران در شفابخانه های ولایت غور مراجعه می نمایند، ایشان را به آدرس معاینه خانه های شخصی خود می فرستند که خود ایشان بعد از ساعت کاری خویش به آن جا کار می نمایند و یا هم برای پایوازان مریضان گفته می شود که در این جا شرایط برای پذیرش مساعد نیست. بعد از این که شفابخانه های شخصی یا معاینه خانه ها به فعالیت آغاز نموده اند، شفابخانه های دولتی کیفیت خود را در برابر مریض داران و مریضان از دست داده است و یا هم در را بهادامه در ص ۳

۹۶۰ کیلومتر چالوسی.....

و دولت هم از طریق هوا، به فکر انتقال ایشان نیست، در یک تصمیم بی سابقه و تاریخی؛ از رییس ها خواست که برای انتقال من به کابل بیایند. آن ها هم که حالا به گپ خود گیر مانده بودند، خواسته و یا نا خواسته راه کابل در پیش گرفتند و چندین بار به گل و برف بند ماندند و سرانجام خود را مثل داکتر برایدن انگلیسی به شکل نیمه جان به کابل رسانیدند و مهمان جدید را آوردند و دو طرفه «۹۶۰» کیلومتر منزل زدند و تیل مصرف کردند وانرژی ضایع نمودند. هر چند بعضی از آن بیچاره ها را به جبر و فشار، روان کردند و مجبور نمودند، اما سخن اصلی این است که اگر این همه رییس فعال؛ از سوی مخالفین دولت در راه شهید می شدند، تقصیر متوجه کی بود و کدام جوان مرد در برابر مردم و خانواده های ایشان پاسخ می گفت؟ آیا نمی شد که با گرفتن یک هواپیمای «پکتیک» از این همه جنجال و درد سر و سرما خنکی جلوگیری کرد؟ آیا رییس ها باز هم در مورد چنین تصامیمی از خود مقاومت نشان نخواهند داد؟ دیده شود، چه می شود؟؟؟

محمدی،

دانشجوی دانشگاه هرات

محرومیت ها و امیدواری ها.....

و مردم آن زندگی آرام و آسوده دارند و از همه نعمات مادی و معنوی برخوردار بوده و لذت می برند. اما مردم غور که نفاق، پشت سر گوئی ها، تخریب شخصیت ها، تو هین همدیگر و غیره عوامل بدبختی دست بدست هم داده مردم ما را بیچاره نموده است. و همین علت است که به زندگی مردم ما توجه نمی شود و ما هیچ چیزی را نداریم. بلی مردم شریف غور ما در آستانه انتخابات سال آینده قرار دارند و باید نخبه گان قوم، شخصیت ها، روشن فکران و ملت مجاهد ما یک بار دیگر به سر عقل آیند و به خود بیاندیشند و راه های حل نجات دهنده را دریابند و در آینده سیاسی افغانستان خود را شریک سازند. نشود که باز هم دولتی که در آینده رهبری کننده افغانستان باشد و رئیس جمهور افغانستان انتخاب گردد؛ محروم شویم و از همین اکنون باید گام های که ما را به سر منزل مقصد می رساند، برداریم و آمادگی داشته باشیم تا در کابینه آینده افغانستان ما هم (غوری ها) شریک باشیم در غیر آن نخواهیم توانست به مردم خود مصدر خدمت شویم. رسیدن به این هدف و مقصد عالی که آرزوی ما خدمت به مردم می باشد، اتحاد و یک پارچه گی را از مردم غور انتظار دارد و بس. به همه ما معلوم است که مردم غور خوبترین و پاک ترین شخصیت های جهادی و روشنفکران صادق را در دامن خود پرورانیده است و صداقت مردم غور در تاریخ مردم افغانستان در همه عرصه ها منحصیث میراث باقی مانده است و از همین شخصیت های صادق باید استفاده معقول صورت گیرد و بر ما لازم است که همدیگر خود را همیشه به چشم خوب ببینیم و از شخصیت های خود حمایت کنیم و از تخریب شخصیت ها و پشت سرگوئی ها جداً پرهیز نمائیم و نگذاریم که دشمنان مردم غور از شکاف نفاق، ما را ضربه بزنند و از حاکمیت دولتی محروم مان سازند. بلی روشنفکران و قلم بدستان عزیز ما که به اصل غوری بودن خود میبایند و..... ادامه در ص ۴

نادیده گرفتن مشکلات اجتماعی زنان

هر چند تاریخ زندگی بشریت با قرون دوران جاهلیت فاصله های دور و دراز را پیموده است. از این که روند زندگی سیر بالائی اش را به سوی تمدن و دیموکراسی می پیماید اما با تأسف که هنوز هم در این پروسه پدیده هائی وجود دارد که نشان دهنده پیوند زندگی اجتماعی با گذشته های دور است. گذشته های که اثرات آن از فرهنگی به فرهنگی و از اندیشه به اندیشه تأثیر گذاری کرده است که تا اکنون هم نشانه های آن وجود دارد و ادامه داشته است. هرگاه از حقیقت چشم پوشی نکنیم، باید به یک انگیزه باور داشته باشیم که چرا تا هم اکنون که زنان و دختران شایستگی شان را در اجتماع تبارز داده اند و هنوز هم نتوانسته اند جای شان را در اجتماعی که در ساختار تمدن مرد و زن همدوش هم کار و ایجاد گری نمایند، کسب کنند. که این تأثرات دوران های قبل به ویژه نشانه های جاهلیت است که در ذهن عده که در عرصه علم و دانش اندک معلومات دارند اثر اش را گذاشته و از فرهنگی به فرهنگی انتقال نموده است. که آن ها تا هنوز زن را به حیث یک موجود ضعیف و نا توان قرون وسطی می دانند و برایش در عرصه زندگی ارزش قایل نیستند، حتی احساسات و عواطف انسانی آن ها را در نظر نمی گیرند. همین انگیزه از یک طرف باعث می شود که دختران جوان از ادامه تحصیل باز مانده و از طرف دیگر باعث می شود که برای دوام زندگی خود در عرصه خوشبختی نیندیشند. در جامعه سنتی ما مشکلات اجتماعی دختران و زنان فهرست کلان دارد که نمی توان آن را در یک یا دو صفحه درج کرد، برای مشخص ساختن موضوع فوق باید دانست که در کدام زمان

معارف گوش به فرمان.....

مشکلات و کاستی های فراوانی وجود دارد اما از همه مهم تر و عجیب تر گوش به فرمان بودن بعضی از مسئولین معارف است. همه می دانیم که چند ماه قبل در پروسه (PRR) یا اصلاح اداره عامه یک تعداد مدیران معارف ولسوالی ها یا تبدیل شدند و یا هم در پروسه ناکام ماندند و جای شان را کسانی دیگری گرفت. ولی این مساله تا حال با تعلل و کار شکنی و بهانه جویی های بسیاری مواجه بوده است. طور نمونه آقای علی زاده مدیر قبلی معارف لعل، در پروسه ناکام گردید و به عوض او آقای آریاپور مدیر معارف سابق دولتیاری در لعل برنده گردید و محمد اسماعیل خان یکی از اساتید با سابقه به حیث مدیر معارف دولتیاری کامیاب شد. اما از آن زمان تا امروز ریاست معارف غور به خاطر تلفن و تماس های بعضی از وکلاء و مداخله بی جای آن ها، این موضوع را هم چنان لاینحل باقی گذاشته است و بعضی از مدیران منظوری به دست این طرف و آن طرف می

چگونه می توان از اقوام ملت ساخت

جناحی و قومی طوری مورد معامله و بهره برداری قرار گیرد که حقوق و منافع بقیه اقوام و ملیت های هم سر نوشت را قربانی کنند. همه چیز را بخود و برای گروه متعلق بخود خواستن مصادره مصالح و منافع ملی و عمومی به نفع یک گروه یا قوم و یا جناح نه منصفانه است و نه تامین کننده رضایت همگانی. و از همه مهم تر این که قابل دوام نبوده در نتیجه وفاق و سازگاری ملی را کاهش داده، بحران عدم اطمینان و اعتماد فضای کشور را فرا می گیرد که همراه با نا امنی، تشنج و نا رضایتی، جنگ های مسلحانه احتمالی قسمی که در سه دهه بحران تجربه کردیم بوقوع خواهد پیوست. آن چه که ملیت ها و اقوام مختلف را با رنگ ها و نژاد متفاوت به یک ملت تبدیل می کند همانا در نظر داشتن و ارج و احترام گذاشتن به رعایت و حفظ منافع ملی کشور است اگر به عنوان مثال ایالات متحده امریکا را مطالعه کنیم مشا هده می گردد که جامعه آن متشکل از ده ها گروه قومی زبانی مذهبی و غیره تشکیل یافته است ولی بخاطر حفظ منافع و افتخارات ملی و هویت ملی و رشد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور خود سیاه پوستی را که تا دیروز لکه ننگ و چهره زشت انسانی می دانستند و حتی در سرک و داخل ملی بس برایش جای نمی دادند اما امروز همان سیاه پوست به رأی همگانی سفید پوستان زمام امور..... ادامه در ص ۴

با درک و پیروی از اصول و ارشادات اسلامی مبنی بر این که مومنان برادران یکدیگر اند، بنا باید انسان ها و اجتماعات اسلامی به خاطر سعادت و رفاه ملت و کشور بدون در نظر داشت تعصب، تحجر و تبعیض زبانی، قومی، ستمی، نژادی و منطوقی غرض تحقق اهداف و آرمان های ملی و میهنی، با افتخار و سربلندی در کنار هم در زیر پرچم واحد ملی به قسم مشترک مانند اعضای یک بدن با هم زیست و زندگی نمایند. آنچه امروز انسان ها را با خواست گاهای قومی و نژادی مختلف زبان های گوناگون مذاهب و نظام های اعتقادی متفاوت و علایق و سلیق سیاسی جدا گانه با هم برادر و هم سرنوشت و گاهی هم سرشت می سازد منافع ملی و ارزش های ملی است. بحث روی این موضوع برای تمام ملت ها و هویت های سیاسی در قالب یک مرز مشترک ضروریست. مخصوصاً برای ملت های که از چندین گروه قومی، مذهبی، زبانی و فرهنگی تشکیل شده اند. زیرا تا زمانی که فرد فرد اقوام تشکیل دهنده یک ملیت و سرزمین متقاعد نشوند که دارای سرنوشت و مصالح مشترک هستند هیچ موقع نفع همگانی و مشترک همدیگر را تعقیب و احترام نمی نمایند و بی توجهی و عدم پایبندی به مصالح عمومی باعث می شود که منافع ملی یک کشور همیشه به نفع خواست های

مشکلات دختران و زنان بیشتر از دوران های دیگر بوده و چرا مشکلات است؟ پاسخ به این سوال به گونه مشخص همانا یک مسئله است و آن فقر و بی سوادی. دو انگیزه مهم است که دست به هم داده، باعث پدید آمدن مشکلات بزرگ در زندگی جامعه ما گردیده است. در این اجتماعی که تا هنوز در اکثریت جا ها مرد سالاری بیداد می کند و برای زن نه تنها مقام اجتماعی داده نمی شود بلکه شخصیت و اهلیت زن با آن هم اداره چي خوب زندگی خانواده خود هم است به صفر ضرب زده می شوند و از موجودیت آن ها به حیث امیال رفع غرایض شخصی خود استفاده می کنند. چه رسد که به آن ها اجازه استدلال و حق زندگی برابر و حق ابراز نظر بدهند - زیرا تا جائی که دیده می شود در عصر حاضر که قرن ها از دوران جاهلیت سپری شده زمانی که در یک خانواده دختری به دنیا می آید مادر او از این پیامد نا خوش می گردد و دیگر اعضای فامیل آمدن دختر را یک پیامد خیلی بی ارزش می پندارند. هر چند همین دختران هستند که الی رسیدن به مرحله جوانی و پا گذاشتن به زندگی خصوصی یگانه دولت و غمخواری واقعی همه افراد خانواده بوده و یک فضائی صمیمانه را در زندگی خانوادگی پدید می آورند، اما در اکثر خانواده ها دختران تا هنوز حق ندارند تا در مواردی که مربوط به خودشان می شود ابراز عقیده نموده و از خود شان نمایندگی کنند. در بسیاری از خانواده ها برای این که دختران شان نتوانند صاحب اندیشه و قدرت در زندگی خود شان باشند آن ها را نمی گزارند تا به مکتب بروند و سواد بیاموزند. این یگانه شکست دختران در پروسه زندگی اجتماعی شان می باشد. زیرا سواد است که انسان؛ خود، اجتماع و جامعه خویش را شناخته و در آن نفوذ کرده و بدین وسیله راه بهتر زندگی را در میابد. داشتن موقف در اجتماع برای هر فرد ضروری پنداشته می شود چون که یک ادامه در ص ۴

گردند و ناکام ها در چوکی تکیه زده اند. چند هفته قبل ریاست معارف آریاپور را به لعل فرستاد اما همان شب از جانب وکیل صاحب به ریاست معارف تلفن شد و معارف گوش به فرمان فردای آن، آریاپور را دوباره به چغچران خواست و همان مدیر ناکام به امر وکیل صاحب در لعل باقی ماند. سوال این است که چرا معارف این قدر گوش به فرمان فلان و فلان دارد؟ چرا وکیل از حیطة صلاحیت خود خارج مداخله می کند؟ آیا وکیل پارلمان وزیر معارف است؟ اگر وکیل، وزیر است به قول ملا نصرالدین پس وزیر کی است؟ آیا وظیفه اصلی وکیل نصب کارمندان دولت است یا قانون گذاری؟ (PRR) به خاطر چه به میان آمده؟ ولی جواب روشن است: جای که کفایت نباشد و مدیریت نباشد و فساد باشد، بسیار کار های غیر قانونی هم انجام شده می تواند و در چنین شرایطی کسی که ضرر می بیند و تاوان می کند اولاد این وطن است و این ملک و منطقه و مدیران بی کفایت غیر از بقای خود در چوکی آرزو و آرمان و هدفی ندارند. حسین کربلایی از لعل

از احمدی تا منیب.....

که مشکلات و موانعی عدیده در سر راه ایشان قرار دارد که بایستی با دقت و تأمل و تدبیر زیاد با آن‌ها چالش نماید و اوضاع را دوباره تحت کنترل خویش درآورد. و اما چالش‌ها:

۱- چالش نخست مسأله امنیت می باشد. اوضاع امنیتی در غور که به علت سوء مدیریت کاملاً برهم و درهم و آسیب پذیر شده است، باید با درایت و فراست درست با آن مواجهه صورت گیرد. همکاری و هماهنگی میان ارگان‌های امنیتی و قضایی تقویه شود، افراد پولیس باید طوری سازماندهی شود که فقط مطیع اوامر مافوق خود باشند؛ نه ارباب فلان منطقه و رییس فلان قوم. هم چنان روی نقش پولیس در نا امنی‌ها دقت و توجه کامل صورت پذیرد و عناصر اخلاص گر شناسایی و مجازات شود.

۲- چالش دومی موضوع بازسازی است. همان گونه که ذکر شد، روند بازسازی و سازندگی در غور در حال حاضر تقریباً متوقف است و رابطه‌ها و علاقه‌ها با موسسات و دوتراها به علت مدیریت نامناسب صدمه دیده است. آقای منیب باید با تهیه پلان‌های درخور و معیاری، قناعت کمک کنندگان را فراهم سازد و با دولت کابل در تماس دایمی باشد و پیشنهادها را پی گیری نماید. او باید با موسسات رابطه نیک و حسنه و فعال ایجاد کند و برای کم کردن فاصله میان مردم و حکومت راه‌های جست و جو نماید. ۳- چالش سومی در برابر آقای منیب، فساد اداری

کرده اند که باید از این ظرفیت‌ها به نفع استحکام پایه‌های حکومت استفاده شود. احمدی اهمیت این موضوع را درک نتوانست و این مهره سرانجام او را از صحنه بازی بیرون انداخت. ما، جوانان و تحصیلکردگان و نیروی کار متخصصی داریم که می‌توانند به پیمانۀ وسیعی به درد دولت بخورند، چرا از این نیرو استفاده نکنیم؟ آن‌ها فرزندان همین مرز و بوم هستند و به وطن و کشور خود عشق و علاقه دارند و بدون شک با تمام توان کار می‌کنند، چرا ما، با آن‌ها حسن نیت نشان ندهیم و آن‌ها را از خود نسازیم و مجبورشان کنیم که در جبهه مقابل قرار گیرند؟ یک جوان متعهد و وطن دوست و آگاه از بیست کمیسیون مبارزه با فساد اداری (و همان اداره کهنه) برتر خواهد بود. این گفته بارها به تجربه به اثبات رسیده است و حاجت به حجت ندارد. هر چند چالش‌ها و موانع و مشکلات بسیاری وجود دارند،

ثمره وحدت و سهم گیری مردم

امرستان قریه است که در ۱۵۷ کیلومتری شمال شرق شهر چغچران موقعیت دارد. این قریه از ساحات به نام مرغاب می باشد، اهالی این قریه در طول سالیان متعددی در فقرات دور از نعمت صحت و معارف قرار داشتند. مردم این قریه مانند سایر مردم متوجه رفع مشکلات زندگی خود بودند ولی جلسه و مشوره به کلی وجود نداشت. اطفال این قریه که باید به مکتب می رفتند؛ اما از این نعمت بی بهره بودند ولی پس از این که برنامه همبستگی ملی این قریه را تحت پوشش قرار داد، اهالی این قریه از رهنمائی‌های کارمندان همبستگی ملی استفاده خوب نموده و اکنون اهالی این شورا در تمام امورات کاری و قریه داری خود با تمام اهالی مشوره و مجلس می نمایند. این شورای موفق که همه امورات

داشت: "ما از دولت اسلامی و انتخابی خود نهایت رضایت داریم، چون در طول سال‌ها هیچ دولتی به مردم همچو خدمت را انجام نداده ولی دولت اسلامی افغانستان با روی دست گرفتن برنامه‌های ملی از جمله همبستگی ملی به مردم فرصت داد تا تمام مسایل خود را مطابق قانون اجرا و عملی نمایند. ما هم چنان از مردم شورای خویش نهایت اظهار امتنان می‌نمائیم که به خاطر تطبیق پروژه برق شان از هیچ نوع مساعی و تلاش دریغ نکردند. همه این مسایل مستقیماً از تاثیر همبستگی ملی بوده که مردم را بسیار به وجه احسن فهمانده است." شورای امرستان آن چه که قابل ذکر است پروژه خود را به موفقیت تکمیل کرده و سر انجام در نتیجه کوشش‌های کارمندان مسؤلین این شورا و دفتر افغان اید مسایل دیگری مردم نیز حل گردیده و فضای

تجارت با زندگی مردم.....

روی مریضان بسته است، اگر مریضی به شفاخانه مراجعه نماید باید روزها انتظار بکشد و اگر پذیرفته شود هم درست مداوا نمی‌گردد که درد وی از درمان هم می‌گذرد بناً مجبور می‌شوند که به آدرس کلینیک‌های شخصی با پرداخت پول هنگفت برای داکتر از یک طرف و سه چند و چار چند پرداخت پول برای داروی توصیه شده‌ای وی بروند. این گونه عملکرد مسؤلین صحت درین ولایت سبب می‌شود که یک عده هموطنان ما را آسب مالی و جانی برسانند و از حق مسلم خویش محروم می‌شوند پس از والی صاحب و دیگر مسؤلین خواهش می‌کنیم که جلو آن عده کسانی که شیفته این گونه اعمال هستند گرفته شود و از تجارت بالای مریضان و مظلومین دست کشیده شود و همه فرض خود را در برابر ملت خود به وجه احسن انجام دهند و افراد خاین از مقام‌های خود سبکدوش شوند تا دیگر نتوانند ازین مقام‌ها برای ویران کردن خانه ملت کار بگیرند.

گل محمد "آزاد"

نگنجد

فساد در تیره چوپان ننگنجد به حول و حیطه ایمان ننگنجد حساب پیسه های خانه سازی به کیف و کیسه مهمان ننگنجد حضور مورچه سای کاسه لیسان به زیر چکمه سلطان ننگنجد قضای دلفریب چاپلوسان به لوح محفوظ یزدان ننگنجد تجاوز این چنین از مرز قانون به عدل و رحمت سبحان ننگنجد تناقض از قوانین تا عملکرد به متن ویژه قرآن ننگنجد بگیرند مجرمین گر طبق قانون به دفتر قصه زندان ننگنجد ببینیم گرفتاری قصور ما و ما به منظر گاه هیچ وجدان ننگنجد مشاورهای کابل گر نخواهیم به خیل و خانه لغمان ننگنجد سیاحت های مسئولین دولت به مکروه حیل شیطان ننگنجد تعرض بر لباس فقر مکتب به هیچ جامضمرو پنهان ننگنجد ترور ابروی اهل کاغذ به قلب پاک هرانسان ننگنجد تمام نقطه های ضعف دولت به فایل و دفتر دیوان ننگنجد

حکمت

شفافی در بین مردم به وجود آمده است. مردم با دیانت این شورا کار مؤفانه دیگری را که انجام داده این است که برای شورای شان دفتر بسیار منظم را اعمار کردند که طرح و تطبیق این دفتر شورا در فیصله مردمی صورت گرفته و تمام اهالی به شکل حشر در تکمیل دفتر شورا سهم گرفتند. اکنون تمام مردم و حتی شورا های همجوار به خاطر حل مشکلات خود با این شورا مراجع نموده و مشکلات آن ها به صورت عادلانه فیصله و حل می گردد.

دفتری و مالی آن تنظیم می باشد، توانسته که یک مکتب متوسطه را برای قریه خود از طریق ریاست معارف بگیرند. هم چنان این شورا، پروژه برق آبی خود را به مبلغ ۲۱۰۰۰۰۰۰۰ افغانی مساعدت برنامه و بیشتر از ۳۰ فیصد سهم مردمی به پایه اکمال رسانیدند که اکنون تمام اهالی شامل این شورا از نور برق مستفید می شوند. رئیس شورای این قریه، مولوی ابوبکر صدیقی که یک انسان فعال و با ابتکار می باشد اظهار

مژده

اکنون می توانید نشریه فیروز کوه را از آدرس انترنیتی رادیو صدای عدالت نیز بخوانید. www.sadayeadalat.radioconnect.af

آیا قبلاً شنیده بودید!

* شخصی نزد رئیس جمهوری که تمام کارمندان دولتش غرق رشوه ستانی بود آمد و گفت: رئیس جمهور صاحب، آیا می دانید که تمامی کارمندان دولت شما مصروف رشوه ستانی از مردم هستند، رئیس جمهور در پاسخ گفت: برادر عزیز، فقط یک هزار (...) کار دارد تا همه کارمندان را سبکدوش کنم.

اما در اینجا فرصت و مجال یاد آوری آن ها میسر نیست. اما به صورت خلاصه می توان گفت کلید گشودن اکثر چالش ها دقیقاً همان مدیریت درست می باشد اگر در غور و هر جای دیگر یک مدیر با تدبیر داشته باشیم با تمام چالش ها می توان دست و پنجه نرم کرد. مردم غور همیشه همکار و حامی حکومت هستند و حکومت نباید به بهای خوش کردن دل فلان حاجی / قوماندان و فلان ارباب / رییس، مردم را قربانی نماید و یا در برابر مردم قرار گیرد. این نکته به هر حال به مدیریت و زیرکی و عقل و هوش مدیران حکومتی بستگی دارد و آینده، همه چیز را به روشنی نشان خواهد داد. آن چه برای حکومت بسیار مهم و حیاتی و سرنوشت ساز است مدیریت شایسته است، دیده شود که آقای منیب یک مدیر مدبر و با هوش از آب در خواهد آمد یا به قول حضرت مولانا باز هم: "آنچه یافت می نشود آنم آرزوست"

نبی ساقی

در دستگاه اداره محل می باشد. این مسأله سر و صدای مردم را بسیار بلند کرده است و نا رضایتی ها را دامن زده است و کار را به تمسخر و تحقیر دولتی ها رسانیده است و مردم را نسبت به مدیران دولتی بی باور و نا امید ساخته است. آقای منیب هم در باب نحوه مدیریت و هم در رابطه به اداره سالم و کارا، به تلاش و زیرکی زیاد ضرورت دارد. مرض مهلک فساد اداری اگر به صورت عاجل و درست معالجه نگردد پیکر نیمه جان دولت را از بین خواهد برد و ریختن اشک ندامت بالای جنازه سهراب حاصلی نخواهد داشت. ۴- چالش چهارمی ضعف تبلیغات است. احمدی برای رسانیدن اخبار بازسازی و آگاهی دهی از کار های انجام شده، هیچ کاری نتوانست. دنیای امروز، دنیای رسانه ها و دنیای تبلیغات است و ما اگر با مهارت و زرنگی با این بازو، بازی نکنیم به سادگی خواهیم باخت و با ضربه فنی طرف مقابل "ناک اوت" خواهیم شد. در این رابطه باید با افراد آگاه مشوره شود و روش های مناسبی برای رسانیدن صدای دولت به گوش مردم در پیش گرفته شود و در این راه به مصرف مبالغی تن در داده شود، در غیر آن صورت جبران این خلاء در مراحل بعدی خیلی سنگین تمام خواهد شد و هزینه کلانی در بر خواهد داشت. ۵- چالش عمده دیگر رابطه آقای منیب با جوانان و نهادها و سازمان های مدنی در غور می باشد. جوانان که در حال حاضر تقریباً به صورت سازمان یافته و مؤثر با قضا با درگیر می شوند، در سال های اخیر ظرفیت های مناسبی کسب

نادیده گرفتن مشکلات.....

دختر با سواد می تواند یک مادر خوب و با تجربه بوده و اولاد جامعه را که آینده این وطن بدست آن هاست تربیت نموده و در روشنائی دانش خویش جامعه را به سوی روشنی و نیک بختی سوق دهد زیرا ملتی که در آن سواد وجود نداشته باشد زنجیر اسارت دوامدار در پایش بوده و نمی تواند ابعاد تمدن و پیشرفت را بیامد. در حال حاضر مفکوره های کهنه و قدیمی باعث می شود تا دختران و پسران به ویژه دختران را که بیرون شدن از خانه برای آن ها ننگ و عار پنداشته می شود از تحصیل باز مانده و نمی گزارند ذهنیت آنان در روشنائی علم و دانش تاریکی ها را از نا روشنائی تفریق و حق را از نا حق و حرام را از حلال بشناسند تا به حق خویش نایل آیند. در شرایط کنونی در آتش جنگ سوخته بدون آن که بدانیم گناه ما چیست در کام نیستی فرو رفته نابود می شویم.

گل احمد عثمانی

چگونه می توان..... ملت امریکا

را در دست گرفته و در قصر سفید منحیث اولین رئیس جمهور سیاه پوست بر آریکه قدرت تکیه می زند. ولی در جامعه که ما زندگی می کنیم در همه سطوح به ویژه در سطوح عقب مانده اجتماع چنان حساسیت شدیدی نسبت به همدیگر ابراز می دارند که به نظر می رسد باید صدها سال کار فرهنگی صورت گیرد تا بتوان این حساسیت شوم و غیر واقعی و موهور را از بین برد. اما بستگی به ظرافت و هوشیاری انسان ها دارد تا با درک اساسات دینی، منافع ملی، سعادت و تکامل و رفاه همگانی ملیت ها زبان ها و مذاهب مختلف را یک ملت ساخته و به جهانیان نشان دهیم که این عصر عصریست که باید از اقوام ملت ساخت نه از ملت اقوام. پس منافع ملی ما ایجاب می کند تا تمام اتباع کشور و اعضای این خانواده بزرگ افغانستان در یک صف واحد و به خاطر یک هدف که همانا افغانستان مرفه و با اعتبار است قرار گرفته و از هویت ملی و اسلامی مان به قاطعیت پاسداری نمائیم.

استندرد های مؤسسه C.H.A در غور

از دیر زمانی بخش های مختلف در غور بحیث یک نهاد غیر دولتی فعالیت دارد و در این اواخر مؤسسه C.H.A عرضه خدمات صحتی با کیفیت را در سطح ولایت غور به مسولیت گرفته، به استثنای شفاخانه ولایتی و سره میاشت. تمام افراد با سواد جامعه می دانند که استندرد یعنی چه و مفهوم آن چیست؛ اما دوست های محترم که به مؤسسه C.H.A می باشند تا حال مفهوم استندرد را نمی دانند یا این که تصور می کنند به غور کس به معنی و مفهوم واقعی استندرد پی نمی برد؛ زیرا که شفاخانه ولسوالی تیوره تعمیر نیمه پخته و چوب پوش می باشد، تشکیل آن تکمیل نبوده و در حین عملیات جراحی همراهی داکتر، اجیران شفاخانه مریض را عملیات می کند، مریض عملاً در بستر موجود ولی اعاشه برای شان داده نمی شود، سونوگرافی، رادیولوژی، و معاینات لابراتواری در آن شفاخانه انجام نمی شود، اکسری مریضان گرفته نمی شود، شخص که در بطن آن شاخه درخت داخل گردیده بود توسط متخصص جراحی به شفاخانه ولایتی انتقال گردیده که توسط داکتر جراح عملیات

شده است. این بود استندرد های مؤسسه محترم، حرف اساسی ما در مورد استندرد می باشد هرگاه استندرد سازی آن قدر آسان باشد انشاءالله مؤسسه همکار کلینک ها و شفاخانه های تمام کشور را تحت پوشش خواهد گرفت و این مژده بزرگ برای مردم افغانستان است. قضاوت بدست خواننده های محترم که در آینده بالای چه افراد و موسسات اعتماد می نمایند، می باشد. و از سوی دیگر مؤسسه مذکور افراد و اشخاص که به داکتری بودن و مسلکی بودن شان شک و تردید وجود دارد از ولایات دور دست با امتیاز بالا در ولایت غور بحیث داکتر با تجربه به کلینک های این ولایت استخدام می کند در صورتی که در ولایت ما داکتر وجود دارد که به امتیاز پائین تر حاضر است کار بکند و به مسلکی بودنش هم شکی وجود ندارد و تمام سال را هم بدون رخصتی و غیر حاضری مصدر خدمت به مردم خود باشد. هم چنان در پُست های کادری دولتی نیز مسایل فوق وجود دارد؛ اما جبر تاریخ شرایط را بگونه دیگر نموده است خان را بی دسترخوان و گدا را خان کرده است.

از دوران مکتب

مرا یاد آید از دوران مکتب
زاستادان و همراهان مکتب
دریغافصل دوری در رسیده است
جداسازد زمایاران مکتب
فضایی سینه ام زنگ دیگر داشت
ز فیض قطره باران مکتب
مشامم تازه از بوی گلی بود
که میچیدم زباغستان مکتب
شراب عشق نوشیدم زجامش
دل و دین همه قربان مکتب
برایم صحنه ای علم و هنر بود
همانا خظه و میدان مکتب
زیادم کی رود ای همکلاسم
هوای تازه نیسان مکتب
نبوغ و آدمیت میزند سر
ز طرف جاده وبستان مکتب
مرا توش هنر آموخت استاد
ز آب چشمه حیوان مکتب
نثار دست برگرد تو استاد
که هستی در پی عمران مکتب
عزیزانم بسی بمعند امروز
چوهستند ساعتی مهمان مکتب
زچشمان "ضیایی" اشک ریزد

ضیایی

افتخارات گذشته گان خود را منیحت افتخار تاریخ کهن افغانستان بیاد می آورند، این قدر باید فکر کنند که گذشتگان ما آنچه لازم بوده کردند. حالا ما چه باید کرد؟ جواب روشن است! آن های که افغانستان را رهبری می کردند و جهان را زیر تاثیر آورده بودند، رمز مؤفقیته شان وحدت و یک پارچه گی ایشان بود که با تأسف این اصل در بین ما کم رنگ شده است. حال با گذشت زمان باید تجربه گرفته باشیم و در افکار خود باید انقلاب تفکر را به وجود آوریم. منفی گرائی ها را کنار بگذاریم زیرا محرومیت های که باعث بدبختی مردم شده است تکرار نشود. بیایم همه ما با اخلاص در برابر همدیگر خود بدرگاه خداوند تعهد بسپاریم که به خاطر وحدت و همدلی مردم غور گام می برداریم و مردم خود را به یک پارچگی دعوت نمایم تا باشد تجارب تلخ نفاق گذشته تکرار نشود. بر ما لازم است که در کمپاین های آینده توجه جدی نمائیم کاندیدای را کمپاین کنیم که برنده و شایسته ریاست جمهوری بوده و رمز پیروزی در سیمای آن به مشاهده رسد و در همین ارتباط مردم ما باید نهایت توجه داشته باشند و کسی که بتوانیم از وی امید خدمت داشته باشیم کمپاین نمایم و تعهد خدمت آن را حتماً باید قبل از انتخاب گرفته تا باشد از وی حق بگیریم و درین مورد مردم ما نباید پارچه پارچه شوند بلکه دقیق فکر کنیم و کاندید واحد که نوید بخش خدمت گذاری به مردم ما باشد رأی بدهیم درین صورت

صورت است که ما می توانیم به مردم خود حق بگیریم. واضح است که در افغانستان امروز حق داده نمی شود بلکه حق گرفته می شود ما هم باید حق بگیریم و خود را در کابینه آینده شریک سازیم. مردم غور هم حق دارند که در کابینه شریک باشند و از خود وزیر، والی و قوماندان داشته باشند و از سهمیه بودن به دولت محروم نباشیم زیرا محروم ماندن، جفا برای نسل های آینده ما خواهد بود و اثر همین محرومیت ها بوده که در قسمت بازسازی اصلاً توجه نشده و مردم غور با گرد و خاک پنجه نرم می کنند و مجرای تنفسی ما را گرد و خاک مسدود نموده است و از نعمت آب، برق و سرک محروم می باشیم. فارغین صنوف ۱۲ ما که آینده سازان کشور اند از دانشکده های کلیدی هم چون طب و انجینری محروم اند و از بورس های تحصیلی در خارج از کشور در غور خبری نیست. بلی هموطن غوری! به خود ببانندیش و فکر کن و عاقلانه تصمیم بگیر و راه های اساسی حل و نجات مردم غور را دریاب و پیدا کن. بلی! راه حل اساسی اتحاد و یک پارچگی مردم غور و وحدت صادقانه این مرز و بوم است. هرگاه مردم ما به صداقت و همدلی، با اخلاص و صمیمیت همدیگر خود را ببینند و در آینده غور توجه لازم نمایند یقین دارم که ما هم وزیر خواهیم داشت و هم والی و هم قوماندان. در غیر آن سال ها را محروم خواهیم ماند و بیگانگان بر ما حکومت خواهند کرد؛ امیدوارم مردم ما با عقل سلیم ببانندیشند و فکر کنند.

صمیم

معاون والی غور از یک حمله مسلحانه جان به سلامت برد.



محترم کرام الدین رضازاده که بخاطر اشتراک در یک سیمینار عازم

ولایت هرات بود، ۲۴ عقرب روز جمعه ساعت ۸ صبح در منطقه بین دره تخت و شیر خاج در محاصره افراد مسلح مخالف دولت تحت فرماندهی ملا مصطفی در آمد. اما افراد امنیتی معاون ولایت که ۸ تن بودند تا رسیدن نیرو های کمکی از هرات با شهامت و دلآوری تا ساعت ۱ بعد از ظهر مقاومت نمودند. درین میان صرف ۲ نفر از محافظین شخصی معاون ولایت مجروح گردیدند که در شفاخانه حوزوی هرات تحت معالجه قرار دارند.

جوانه های خسته چاپ شد

مجموعه اشعار سید علی مشفق مدیر لیسه بیخ سنگ ولسوالی لعل و سرجنگل تحت نام " جوانه های خسته " به کوشش نبی ساقی استاد دارالمعلمین عالی غور به چاپ رسید. این دفتر که دارای ۱۰۳ صفحه می باشد با قطع و صحافت زیبا و به تیراژ یک هزار جلد در مطبعه بلخ در کابل چاپ گردیده است. سید علی مشفق نوشته های دیگری هم دارد که توقع می رود در آینده نزدیک به چاپ رسیده و به دسترس علاقه مندان قرار گیرد. قابل ذکر است که در این اواخر انجام فعالیت های فرهنگی در میان جوانان غور روز تا روز رو به فزونی گذاشته و آینده روشنی را برای جامعه فرهنگی غور نوید می دهد.

صاحب امتیاز:

مدیر مسئول: عبدالشکور عزیز / تماس: ۰۷۹۹۳۳۴۴۳۰

معاون مدیر مسئول: امرالله حمیدی / تماس: ۰۷۹۹۴۱۵۵۰۶

سردبیر: قربان کریمی / تماس: ۰۷۹۷۰۷۳۸۲۴

معاون سردبیر: اختر محمد اختر / تماس: ۰۷۹۷۱۸۵۰۶۵

ویراستار: غلام ربانی هدفمند / تماس: ۰۷۹۷۲۴۴۳۰۰

گزارشگر: قربان حکمت / تماس: ۰۷۹۸۲۶۲۷۱۹

طرح: عبدالوقار دانشیار / تماس: ۰۷۹۶۳۱۵۸۵۷

ادرس الکترونیکی: ferozkohm@yahoo.com

مسئول امور مالی: ضیا الحق فیروزکوهی

تحت نظر: هیأت تحریر

محل چاپ: چاپخانه سهر / شمارگان: ۱۵۰۰